

که جز زحمت دیگران یقیناً شماروی سنک و سخرها پا برهنه می گذاشتید .
 هنگامیکه شما طعام لذیذی را در بشقاب چینی صرف می کنید بیا دآر بد که
 با ستنای کنار دیگران شما با است بشکار در جنگلهای وحشی جهت حصول اغذیه
 سرگردان و آواره می رفتید .

زندگانی در صحاری و جنگلهای بدون اختراعات و کمک دیگران برای مردم
 بسیار زندگانی سخت است این فقط زندگانی است که برای حیوانات موزون
 است . انسانها بسیار سالیان قبل در صحاری و جنگلهای چون حیوانات زندگانی
 داشتند اما برای سرور و محافظه خویش اسلحه اختراع کردند و متحد شدند و یک
 دیگر را به تعمیر شهرها و قصبات کمک کردند .

خصائل خاموشان

ترجمه م عثمان خان

حکایتی از مولتیکی چترال بزرگ که در آن زمان که بی میلی خود در ادراک گفتگوی بی فایده
 (از هر قسمی که میبود) نشان داده است نقل میکنند باری او میخیزد است با قطار آهنی
 مسافرت بکند اثنائیکه قطار از شیشن جدا می شد یک کپتان هوسارها (دسته ایل جاری)
 هم داخل این اطاق گردیده بدسته او شامل شده گفت: « صبح شما بخیر عا لیجنابا »
 و در ظرف دو ساعت سواری یک حرف هم بمیدان نیامد تا اینکه به ستیشن دیگر هوسار بیا
 شده خواست از قطار پیاده شود . « صبح شما بخیر عا لیجنابا » گفت و رفت . مولتیکی
 جنبیکه درب اطاق بسته می شد نگاهی جانب رفقا افکنده گفت « چقدر بر گفت » .
 خاموشی درین صورت آخرین مرتبه خود را گرفته ؛ با این هم برای شخصی که تصور

رود از گفتن بزحمت میشود و مانند کالبدی در ضیافت و غیره جاها نشسته ' حرف نمی زند
آیا بمذاق او چیزی نیست که گفته شود؟ اشخاصی که بمواقف عالی میرسند قیمت خاموشی
را دانسته اند ' بایشان سنگینی بهتر است ' گیریم که بسیار خاموش هم نیستند؛ معقول '
اما آن وقتی را که در گفته کوهای بی مغز صرف کنند ندارند . دماغ ایشان مشغول حل کدام
مسئله مهم و بامتوجه بجای دیگری است که با قطعاً جواب نمی دهند ' و یا اگر جواب
هم بدهند بسیار مختصر خواهد بود . پس ایشان کم حرف نامیده می شوند .

دیگر صورت آن شخصیت که قطع امید کرده باشد . یعنی کسی که برای کامیابی
کاری تمام قوای ظاهری و باطنی را مشغول بآن داشته اما در آن وقت که باید با کامیابی
دست و آغوش بشود دفعتاً از دستش رفته اند . او با همان ناامیدی غرق و بر روی که زمانه
با او باخته و او را نا امید کرده عدم توکلش بمطلب گشته تفکر میکند ' و نمی خواهد
زیاده برین از عدم طبیعت و لذت حیات بحث و مباحثه بمیان آید؛ او خاموش است
و بزودی ازین کم حرفی خود گوشه گیری می شود . ولی اگر اوفی الحقیقت تمام قلب و روح
خود را معطوف کار خود نموده ' آبا میتوان نتیجه از آن توقع نمود؟ او گویا کسی است
که به نسبت دیگران گرمی و سردی روزگار را بدون ایراد کلمه تحمل میکند . و از آن
باعثیکه برای قبل و قال و نارضائی این گونه مصائبات خاموشی را گزیده است
' رفقای او رفته رفته از او کناره می گیرند *فردنی و مطالعات فرهنگی*

بعد همان شخصی که هیچ لذت از لطایف اوقات ' مشاغل بیهوده و معمولی که آنقدر
اشخاص را مشغول میدارد نمی برد . برای او حیات حقیقی است و ناپاییده زینت
آنها منکر شد . او کار کردن را وظیفه اساسی خود دانسته حس میکند که دماغ و قوه
عقله بی فائده برای انسان داده نشده است . اینست که از گفته کوهای بیهوده ' قواره سازی
حیله بازی و غیره همچو کارهای که اکثر مردها و زنهای آن را غیب اند
بدش آید . نفرت می کند ' و این بلندی ذاتی که دارد مساعدت نمیکند
با اشخاص پست از خود طرح دوستی و رفاقت افکنند ' در نتیجه تنها می ماند .

آیا نفع میکند یا نقص؟

شخصی که حسیات بلندش غلط فهمی شده ترجمه ناصوابی را در ذهن دیگران جا داده در کدام حساب است؟ اگر او شخصی است متحسناً ازین وضعیت زمانه خوشش نیامده بقره می شود. اخیراً میداند که از آن احساسات بلند جز ناامیدی و باس چیز بی بر نمی آید بنا کامی خوش غصه می خورد. بیش از پیش خاموش میگردد.

ابن امثال از آنها نیکه منشاء خاموشی را از یقین بر لو میدانی میداند امتیاز دارد. شخصی که آنطور باشد میل ندارد دیگران را بلندتر از خود مشاهده نماید. او احساس ناراضائی در حالیکه نمیداند چیست، از طالع و قسمت خود میکند از تفریحات و ساعات تبری ها روی تشرش کرده، درین گفت و شنود خاموش می ماند، از هر کاری که هر شخصی انجام دهد نفرت میکند حتی از کسی که میخواهد وسیله جهت رضایت خاطر و خوشنودی او تهیه نماید بدب میبرد خاموشی ابن قبیل از خرابی دماغ نشئت می کند و انهم با بد از اشتعال قوای دماغیه باشد.

ظاهراً است شخص کم حرف عا طفت ما را زیادتر از استهزا و توهین بخود میگیرد، و اکثر آرزو بینی ما زیادتر مورد الطاف هر کس واقع میگردد. علاوه نباید فراموش کرد اشخاص متفکر همیشه میخواهند خاموش باشند، در حالیکه گفتگوهای نمکین حاضرانست مباحثه را در هر وقت و بر هر چیز دایر میکنند.

حقیقتاً اطلاق عنوان کم حرفی را بشخصی که میداند در خاموشی سبک مغزی های خود را انبار کرده و شخصی که حفاظت این خاموشی بلند حقیقی را از ذوق در چیزهای عمیق تر حیات میداند بی انصافیت!!

A	Α	Ε	Ω	L	Λ	Α	Ϟ
B	Β	Θ	⊕	M	Μ	Σ	Ϡ
C	Γ	Ι	ν	N	Ν	Τ	ϡ
D	Δ	Κ	ϣ	KS	Ϛ		Ϣ
E	Ε			Ö	Ο		
F	Ϝ				7		
Z	Ζ			o	ϙ		

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 آتال جامع علوم انسانی

نونه خط فنیکیهایی قدیم که اساس همه خطوط دنیا است
 متعلق شماره 6 سال 5 - آئینه